



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

خصائص

امام حسين عليه السلام

نادر حسين عبداللهي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خصائص امام حسين عليه السلام

نویسنده:

نادر حسین عبداللہی

ناشر چاپی:

نادر حسین عبداللہی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمیہ اصفہان

فهرست

۵	فهرست
۷	خصائص امام حسین علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مشخصات امام حسین علیه السلام
۷	ولادت امام حسین علیه السلام
۷	فرزندان امام حسین علیه السلام
۷	پسر رسول
۸	افتخار ملائکه
۸	صولت شکن یهود
۹	منابع جریان مباحله
۹	محب خدا و پیامبر
۱۰	گل بهشت
۱۰	روح عبادت
۱۱	آقای جوانان بهشت
۱۱	بر دوش رسول خدا
۱۱	زینت عرش
۱۱	زینت بهشت
۱۲	نور خدا
۱۲	محرومان از شفاعت
۱۲	نجات دهنده دوزخیان
۱۳	روح پیامبر
۱۳	آئینه تمام نمای پیامبر
۱۳	کلید بهشت

- ۱۳ امام حسین علیه السلام و حدیث کساء
- ۱۴ پاکی امام حسین علیه السلام
- ۱۴ نام گذاری امام حسین علیه السلام
- ۱۵ امام حسین الگوی عمل
- ۱۶ شهادت سرور شهیدان
- ۱۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فصائص امام حسين عليه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده: نادر حسين عبداللهی

ناشر: نادر حسين عبداللهی

مشخصات امام حسين عليه السلام

نام: حسين (ع) لقب: سيد الشهداء. کنیه: ابو عبدالله. نام پدر: علی (ع) نام مادر: فاطمه زهرا (س) تاریخ ولادت: سوم شعبان. مدت امامت: ۱۱ سال. مدت عمر: ۵۷ سال. تاریخ شهادت: دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری. قاتل: شمر لعین. محل دفن: کربلای معلّی. تعداد فرزندان: به روایتی چهار پسر و دو دختر.

ولادت امام حسين عليه السلام

حضرت امام حسين (ع) در سال چهارم هجری، در مدینه منوره، چشم به دنیا گشود و در سال پنجاه هجری، پس از شهادت برادر خود، به مقام امامت رسید و به ارشاد مسلمین پرداخت. معاویه در اواخر عمر خود، برای خلافت یزید، تلاش فراوان کرد تا از سيدالشهداء (ع) بیعت بگیرد اما با مخالفت شدید امام روبه‌رو گردید. یزید نیز پس از مرگ معاویه به فرمانداری در مدینه دستور داد تا از امام (ع) بیعت بگیرد یا ایشان را به قتل رسانده و سر او را برای وی ارسال دارند. وقتی که امام حسين (ع) اوضاع را آشفته دید، ناگزیر به همراه اهل بیت خود، مدینه را به قصد مکه ترک نمود. اما وجود مبارک امام (ع) در مکه نیز در معرض خطر جدی قرار داشت و این احتمال قوت داشت که حضرت را مخفیانه ترور نمایند، لذا امام (ع) برای حفظ حرمت خانه خدا به طرف عراق حرکت نمود که در بیابان کربلا- همراه اهل بیت و اصحاب خود در محاصره لشکر عبیدالله بن زیاد قرار گرفتند و در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، مظلومانه و به طرز فجیعی به شهادت رسیدند.

فرزندان امام حسين عليه السلام

فرزندان امام حسين شهید (ع) عبارتند از: علی اکبر (ع) که همراه پدرش در کربلا شهید شد. امام سجاد (ع)، محمد، عبدالله (علی اصغر) (ع) که در شش ماهگی در کربلا توسط حرمه در آغوش پدر به شهادت رسید و جعفر. دختران آن حضرت، حضرت زینب صغری، فاطمه صغری و سکینه بودند.

پسر رسول

در احادیث متعدد از اهل تشیع و تسنن نقل شده است که رسول گرامی اسلام (ص) راجع به حسنین (ص) فرمود: «خداوند، فرزندان هر پیامبری را از صلب آن پیامبر قرار داده، اما نسل مرا از صلب علی بن ابی طالب (ع) قرار داده است در حالی که فرزندان هر مادری را به پدرشان نسبت می‌دهند، مگر فرزندان فاطمه زهرا (س) را که من پدر ایشانم». به همین جهت در جنگ صفین، هنگامی که امام حسن مجتبی و امام حسين (ص) برای جنگ با معاویه شتاب می‌نمودند، امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «آنان را از نبرد بازدارید تا مبدا حسنین شهید شوند و نسل رسول خدا (ص) منقطع گردد!» اسامه بن زید می‌گوید: «طَرَفَتِ النَّبِيَّ (ص) ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي بَعْضِ الْحَاجَةِ»

فَخَرَجَ النَّبِيُّ - (ص) و هو مُشْتَمِلٌ عَلَى شَيْءٍ لَا أَدْرِي مَا هُوَ، فَلَمَّا فَرَعْتُ مِنْ حَاجَتِي، قُلْتُ: مَا هَذَا الَّذِي أَنْتَ مُشْتَمِلٌ عَلَيْهِ؟ قَالَ: فَكَشَفَهُ فَأَدَّ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَى رِكَبَتَيْهِ، فَقَالَ: هَذَانِ ابْنَايَ وَابْنَايَ ابْنَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُمَا، فَاجِبْهُمَا وَأَجِبْ مَنْ يُحِبُّهُمَا؛ شَبِي فِي مَنْزِلِ بِيَامِبِرِ (ص) رَفْتَم وَ دَرِ خَانَه رَا بَه صَدَا دَرِ آوَرْدَم، دِيدَم بِيَامِبِرِ (ص) مَلْحَفَه‌ای بَرِ خُودِ بِيَجِيدَه، نَدَانَسْتَم کِه آن چِیَسْت بَعْدِ از بَرِ آوَرْدَه شَدَن حَاجَتَم، گَفْتَم: اَیْنِ چِیَسْت کِه خُودِ رَا بَه آن پُوشَانَدَه‌ای؟! بِيَامِبِرِ (ص) مَلْحَفَه رَا بَرْدَاشْت. دِيدَم حَسَن وَ حُسَيْن بَرِ رُویِ زَانُویِ بِيَامِبِرِ نَشَسْتَه‌انَد، آَنگَاَه فَرْمُود: اَیْنِ دُوفَرزَنْدَانِ مَن وَ فَرزَنْدَانِ دَخْتَرَم مِی‌بَاشَنَد، بَارَالِهَا! مَن اَیْنِ دُورَا دُوسْتِ دَارَم، پَس تُو هَم آَنَانِ رَا دُوسْتِ بَدَارِ وَ آَنَانِ رَا کِه اَیْنِ دُورَا دُوسْتِ دَارَنَد نِیز، دُوسْتِ بَدَارِ».

افتخار ملائکه

یکی از ویژگی‌های وجود امام حسن و امام حسین (ص) در جهان خلقت، این است که آنان محل نزول و فرود ملائکه هستند؛ چنانکه در روایتی آمده است: «إِنَّ مَلَكًا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى صِفَّةِ الطَّيْرِ، فَقَعَدَ عَلَى يَدِ النَّبِيِّ (ص) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ بِالنَّبُوءَةِ، وَعَلَى يَدِ عَلِيٍّ (ع) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ بِالْوَصِيَّةِ، وَعَلَى يَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِمَا بِالْخِلَافَةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِمَ لَمْ تَقْعُدْ عَلَى يَدِ فُلَانٍ؟ فَقَالَ: أَنَا لَا أَقْعُدُ فِي أَرْضِ عَصَى عَلَيْهَا اللَّهُ، فَكَيْفَ أَقْعُدُ عَلَى يَدِ عَصْتِ اللَّهِ؟» بدرستی که فرشته‌ای از آسمان به صورت یک پرنده بر پیامبر فرود آمد و بر دست پیامبر نشست و به ایشان به عنوان نبوت سلام کرد، سپس بر روی دست علی (ع) نشست و بر وی به عنوان وصی پیامبر سلام کرد. سپس بر روی دست حسن و حسین (ص) نشست و بر ایشان به عنوان خلافت سلام کرد. پیامبر (ص) فرمود: چرا بر دست فلانی نشستی؟! گفت: من بر روی زمینی که در آن خداوند را نافرمانی کنند، نمی‌نشینم، پس چگونه ممکن است بر روی دستی که خداوند را معصیت کرده، بنشینم».

صولت شکن یهود

در جریان مباحله، رهبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) مسیحیان نجران را برای پذیرش اسلام دعوت کرد؛ اما آنان حاضر شدند نخست با رسول خدا مذاکره کنند و از نزدیک با آن حضرت آشنا شوند؛ لذا جمعی از دانشمندان آنان که تقریباً هفتاد نفر بودند و برخی از ناظرین که جمعاً حدود سیصد نفر می‌شدند و در رأس این جماعت دو نفر به نامهای: «سید» و «عاقب» و طبق بیان بعضی از مفسرین «جائلیق» و «علقمه» بودند، برای مذاکره حضور یافتند. نخست از پیامبر اسلام (ص) سؤال کردند: ای محمد! هنوز فرزندی را دیده‌ای که بدون پدر متولد شود؟! و اگر ندیده‌ای چگونه ادعا داری که عیسی پسر مریم است ولی پدر ندارد؟! در این هنگام، خداوند متعال این آیات نورانی را برای حضرت نازل فرمود: (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَ كُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَ كُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ)؛ «بگو بیایید ما فرزندانمان و زنانمان و خودمان را و شما نیز فرزندانتان و زنانتان و خودتان را بخوانید، آنگاه با هم مباحله نماییم و سپس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم». در پی نزول این آیات شریفه، رسول خدا (ص) به آنان پیشنهاد مباحله داد. سید و عاقب که از علمای بزرگ مسیحی بودند، پیشنهاد را قبول کردند و ضمناً یک شب را مهلت خواستند تا برای مباحله حاضر شوند. علمای مسیحی نزد اسقف رفته و گفتند: رهبر مسلمانان به ما چنین پیشنهادی کرده است. نظر شما چیست؟ اسقف که مردی هوشمند بود - گفت: فردا ملاحظه کنید محمد با چه افرادی برای مباحله می‌آید، اگر به همراه خانواده خود بیاید، با او مباحله نخواهیم کرد، اما اگر با اصحاب و یاران خود، باشد، مباحله ضرری ندارد. روز بعد، علمای نصاری و اسقف آنان، مشاهده کردند که رسول خدا (ص) با برخی از همراهانش به سوی محل مباحله در حرکت است. اسقف، اطرافیان پیامبر را نمی‌شناخت. لذا پرسید: همراهیان پیامبر چه کسانی هستند؟ اطرافیان او گفتند: جوانی که پشت سر محمد است، علی پسر عم اوست و آن دو کودک نیز نوه‌های او حسن و حسین و آن زن هم فاطمه زهرا دختر اوست. وقتی اسقف مشاهده کرد که پیامبر با نزدیکترین و عزیزترین

کسانش به مباحله آمده گفت: ای پیروان مسیح! به خدا سوگند من در چهره آنان چنان آثار حقانیت و ایمانی را ملاحظه می‌کنم که اگر دعا کنند، کوهها از جا کنده خواهد شد، لذا به پیامبر (ص) عرضه داشت: ما حاضر به مباحله نیستیم و هر کس بر دین خود بماند! حضرت محمد (ص) آنها را دعوت به اسلام کرد ولی آنان اسلام را نپذیرفتند. حضرت فرمود: من شما را مجازات خواهم کرد. آنان گفتند: ما نیروی جنگ با اعراب را نداریم بلکه با شما بر این اساس صلح می‌کنیم که در هر سال برای شما دو هزار حُلّه بدهیم. رسول گرامی اسلام (ص) این پیشنهاد را پذیرفت و صلحنامه را نوشت و مهر و امضانمود.

منابع جریان مباحله

برخی از منابع مباحله عبارتند از: صحیح مسلم، طبع مصر، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، طبع مدینه، ج ۴، ص ۲۹۳؛ تفسیر طبری؛ مسند حنبل، طبع بیروت، ج ۱، ص ۱۸۵؛ احکام القرآن، جصاص، طبع بیروت، ج ۳، ص ۱۴؛ مستدرک حاکم، طبع حیدرآباد دکن، ج ۳، ص ۱۵۰؛ معرفت علوم حدیث، حاکم نیشابوری، طبع مصر، ص ۵۰؛ دلائل النبوة، ابی نعیم، ص ۲۹۸؛ مصابیح السنه، بغوی، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۴؛ معالم التنزیل، بغوی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ اسباب النزول، واحدی، ص ۷۵؛ کشاف زمخشری، طبع ایران، ج ۱، ص ۳۶۸؛ عمده ابن بطریق، طبع ایران، ص ۹۵؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، طبع مصر، ج ۸، ص ۸۵؛ جامع الاصول، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۹، ص ۴۷۰؛ شفا تعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاضی، طبع مصر، ج ۲، ص ۳۶؛ مناقب خوارزمی، چاپ نجف، ص ۹۶؛ تاریخ کامل، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ذخائر العقبی، محب‌الدین طبری، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ریاض النضره، محب‌الدین طبری، ج ۲، ص ۲۴۸؛ انوار التنزیل، بیضاوی، طبع ایران، ص ۴۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۵؛ کفایة الطالب، گنجی شافعی، طبع نجف، ص ۵۵؛ مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعی؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، چاپ ایران، ص ۸؛ تفسیر قرطبی، طبع مصر، ج ۴، ص ۱۰۴؛ تفسیر السنفی، ابوبرکات، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۶۱؛ البدایة والنهایة، ابن کثیر، طبع بیروت، ج ۵، ص ۵۴؛ تفسیر ابن کثیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۷۰؛ تفسیر بحرالمحیط، ابی حیان اندلسی، طبع مصر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ نهر الماء من البحر المحیط، ابی حیان اندلسی، ج ۲، ص ۴۸۹؛ تفسیر الخازن، علاء الدین علی بن محمد، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۰۳؛ مشکاة المصابیح، ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب عمری تبریزی، طبع دهلی، ص ۵۶۸؛ غریب القرآن نیشابوری، طبع ایران، ج ۱، ص ۳۲۹؛ الاصابة ابن حجر، طبع بغداد، ج ۲، ص ۵۰۹؛ تفسیر جلالین، ملا-الدین محمد بن احمد شافعی، ص ۴۶؛ فصول المهمة ابن صباغ، طبع ایران، ص ۷؛ صواعق المحرقة ابن حجر، درالمنثور سیوطی، تفسیر ابوالمسعود در حاشیة تفسیر فخررازی، طبع مصر، ج ۳، ص ۱۴۳؛ سیرة الحلیة علی بن برهان شافعی، طبع مصر، ج ۳، ص ۲۴۰؛ فتح القدر، شوکانی، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ینابیع الموده، شیخ سلیمان، طبع بمبئی، ص ۴۳؛ نورالابصار، شبلنجی، طبع مصر، ص ۱۲۲؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۶۷؛ التاج، شیخ منصور علی ناصف، طبع دوم، ج ۳، ص ۲۹۶؛ سیرة نبویه، سیداحمد زینی دحلان، در حاشیة سیرة حلیه، طبع مصر، ج ۳، ص ۲؛ تفسیر المنار، طبع مصر، ج ۳، ص ۳۲۲؛ تفسیر الواضح، محمد محمود حجازی، ج ۳؛ تفسیر المنار، ص ۳۲۲؛ جواهر طنطاوی، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حسن الاسوه، صدیق حسن خان، ص ۳۲؛ تصیر الرحمن علی مهاییمی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مبارق بمبئی، ص ۱۰۶؛ تفسیر القرآن کاشفی، طبع بمبئی، ص ۹۲.

محب خدا و پیامبر

در کتب معتبر اهل تشیع و تسنن، روایات فراوانی وجود دارد که رسول خدا (ص) فرموده است: «مُحِبُّ امَامِ حَسَنِ و امَامِ حُسَیْنِ، مُحِبُّ مَنْ اسْت و هر کس که مُحِبُّ مَنْ اسْت، مُحِبُّ خَدَاوَنَد اسْت. دشمنان آنان، دشمن من هستند، هر کس که دشمن من باشد، دشمن خداوند است». در این رابطه به چند نمونه از روایات اشاره می‌کنیم: ابوهریره گوید: «خرج علينا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسين... فقال: رجل یا رسول الله انک لتحبهما؟ قال رسول الله (ص) من احبهما فقد احبني و من ابغضهما فقد ابغضني». روزی پیامبر

(ص) به همراه حسن و حسین از منزل بیرون آمد، مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا این دو را دوست می‌داری؟! پیامبر (ص) فرمود: هر کس این دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر کس این دو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است. سلمان فارسی گوید پیامبر (ص) فرمود: «الحسن والحسین، من احبهما احبته و من احبته احبه الله و من احبه الله، ادخله جنات نعیم و من ابغضته، ابغض الله و من ابغضه الله، ادخله جهنم و له عذاب مقیم». کسی که حسن و حسین را دوست بدارد، من او را دوست می‌دارم، و کسی را که من دوست داشته باشم، خداوند نیز او را دوست دارد، و هر کس را که خداوند دوست داشته باشد، او را وارد بهشت برین می‌کند و هر کسی را که من او را دشمن بدارم، خداوند او را دشمن خواهد داشت، و هر کسی که خداوند او را دشمن بدارد، او را داخل دوزخ می‌کند.»

گل بهشت

در این جهان، خداوند عالم، موجودات گوناگونی را آفریده است، یکی از آن موجودات، گل‌های معطر و زیباست که انسان به آنها علاقه فراوان دارد، لکن امام حسن و امام حسین (ص) گل‌هایی هستند که در سرتاسر عالم، جلوه کرده و نورهایی هستند که عالم دنیا و آخرت را نورافشانی نموده‌اند؛ چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّكُمْ مِنْ رِيحَانِ اللَّهِ... فَقَالَ قَوْمٌ! أَتُحِبُّهُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: مَا لِي أُحِبُّ رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا؟» پیامبر فرمود: امام حسن و امام حسین (ص) گل‌های خداوند هستند. برخی، سؤال کردند ای رسول خدا! آیا این دو را دوست می‌داری؟! پیامبر (ص) فرمود: چرا دوست نداشته باشم، این دو گل‌های من در دنیا می‌باشند. شریف رضی گوید: تَشَبَّهَ بِالرَّيْحَانِ لِأَنَّ الْوَلَدَ يَشْمُ وَيَضْمُ كَمَا يَشْمُ الرَّيْحَانُ وَاصِلُ الرَّيْحَانِ مَا خُوذَ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي يَتَرَوَّحُ إِلَيْهِ وَيَتَنَفَّسُ مِنَ الْكَرْبِ بِهِ.»

روح عبادت

چنان‌که در این عالم، هر چیزی دارای روح و حیات و دارای رشد و کمال است، تمام عبادات بشر نیز دارای روح می‌باشد. در روایات متعدد روح عبادت، وجود نازنین امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده است، بنابراین همان‌طور که سایر اجسام عالم، اگر دارای روح حیاتبخش نباشند، یقیناً دارای رشد و کمال نخواهند بود، عبادات بشر نیز بدون معرفت امام حسن و امام حسین (ع) ارزشی نخواهد داشت، در این باره، چند نمونه از روایات را بیان می‌کنیم: انس بن مالک گوید: «کان رسول الله (ص) یسجد، فیجیء الحسن و الحسین فیركب ظهره، فیطیل السُّجُود. فیقال له: یا نبی، اطلت السجود؟! فیقول رسول الله (ص): ارتحلنی ابنی فکرت أن اعجلهما؛ گاهی پیامبر در حال سجده بود که حسن و حسین (ص) می‌آمدند و بر دوش پیامبر سوار می‌شدند و پیامبر (ص) سجده را طولانی می‌نمود. به او گفته شد ای پیامبر خدا! سجده را طولانی نمودی؟ پیامبر فرمود: این دو فرزندم بر دوشم سوار بودند و کراحت داشتم که در پیاده کردن آنها شتاب کنم» نسائی از عبدالله بن شاذان از ابیه نقل می‌کند که گفت: «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي أَحَدِي الصَّيَاتِي الْعِشَاءَ وَهُوَ حَامِلٌ حَسِينًا فَتَقَدَّمَ النَّبِيُّ (ص) فَوَضَعَهُ، ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّيَّةِ لِأَنَّهَا فَصِيْلَتِي، فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاةَ سَجْدَةٍ، فَأَطَالَهَا. قَالَ أَبِي: فَرَفَعَتْ رَأْسِي فَأَذَا الصَّبِيَّ عَلَى ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَهُوَ سَاجِدٌ! فَرَجَعْتُ إِلَى السُّجُودِ، فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّلَاةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صِيْلَتِكَ سَجْدَةً أَطَلْتَهَا حَتَّى ظَلَمْتُ إِنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ أَوْ أَنَّهُ يُوحَى إِلَيْكَ؟! قَالَ (ص): كُلُّ ذِيكَ لَمْ يَكُنْ، وَلَكِنْ إِرْتَحَلْنِي فَكِرِهْتِ أَنْ أَعْجَلُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ؛ «روزی، پیامبر اکرم (ص) در یکی از نمازهای عشا به همراه امام حسن (ع) به مسجد آمدند. حضرت به محراب رفتند و امام حسن را در کنار خود نهاد. سپس تکبیر گفت و به نماز ایستاد و هنگامی که در نماز به سجده رفتند و سجده را طولانی کردند؛ پدرم گفت: من سرم را از سجده برداشتم و دیدم پسری بر دوش پیامبر سوار شده است، در حالی که پیامبر در سجده است. من دوباره به سجده برگشتم. هنگامی که پیامبر نماز را تمام کرد؛ مردم گفتند: ای رسول خدا! در میان نماز، سجده را طولانی فرمودی تا اینکه گمان کردیم که امری حادث

شده یا بر تو وحی نازل می‌شود! پیامبر (ص) فرمود: هیچ کدام از آنها رخ نداده؛ بلکه پسر حسن بر دوشم سوار بود، لذا کراهت داشتم که در پایین آوردن او شتاب کنم».

آقای جوانان بهشت

در روایات فراوانی از منابع شیعه و اهل سنت رسیده است که امام حسن و حسین (ص)، آقای جوانان اهل بهشت هستند؛ چنانکه حدیثی از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل می‌کند: «أَمَا رَأَيْتَ الْعَارِضَ الَّذِي عَرَضَ لِي؟ قُلْتُ بَلَى. قَالَ: ذَاكَ مَلَكٌ لَمْ يَهَبْ إِلَى الْأَرْضِ قَبْلَ السَّاعَةِ، فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيَّ، وَيُبَشِّرَنِي أَنَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ سَيَدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَأَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». «آیا ندیدی آنچه بر من عارض شد؟ گفتم: چرا؟ پیامبر (ص) فرمود: این فرشته، تاکنون به زمین فرود نیامده است، اکنون از خداوند متعال اجازه خواسته که به من سلام کند و بشارت بدهد. به درستی که امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان بهشت هستند و مادرشان فاطمه، سیده زنان اهل بهشت است». ابو عبدالله امام صادق (ع) نیز فرمود: «هُمَا وَاللَّهِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ»؛ «امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان اولین و آخرین بهشت می‌باشند».

بر دوش رسول خدا

در روایات متعدد رسیده که امام حسن و حسین (ص) بر دوش پیامبر (ص) می‌نشستند. در این باره به چند روایت اکتفا می‌کنیم: ۱- سمعانی در فضائل، از اسلم غلام عمر، از عمر بن خطاب نقل می‌کند که: «رَأَيْتَ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَى عَاتِقِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ: نِعْمَ الْفَرَسُ لَكُمَا؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَنِعْمَ الْفَارِسَانُ هُمَا». عمر گفت: روزی دیدم حسن و حسین بر شانه پیامبر سوارند. گفتم: بهترین اسب را دارید! پیامبر خدا (ص) فرمود: اینها بهترین سوارانند». ۲- جابر بن عبدالله گوید: «دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَهُوَ حَامِلٌ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَمْشِي بِهِمَا. فَقُلْتُ: نِعْمَ الْجَمَلُ! وَنِعْمَ الْعَدْلُ أَنْتُمَا». بر پیامبر اسلام وارد شدم، در حالی که راه می‌رفت و حسن و حسین را بر دوش خود نهاده بود. به حسن و حسین گفتم: بهترین شتر، شتر شماست!». ۳- در روایتی آمده است: «نِعْمَ الْمَرْكَبُ رَكْبَتُمَا يَا غُلَامَيْنِ؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَنِعْمَ الرَّكَابَانُ هُمَا...»؛ بر بهترین مرکب، سوار شده‌اید ای دو پسر! پیامبر (ص) فرمود: این دو، بهترین سوارانند».

زینت عرش

در آیات و روایات متعدد، خداوند متعال، بزرگی و کرامت انسان را در تقوا و رعایت عدالت دانسته و جوامع بشری را به رعایت این دو دعوت می‌کند. امام حسن و حسین (ص)، به خاطر تقوا و پرهیزکاری که داشتند، زینت عرش الهی به شمار رفته‌اند؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، زَيْنَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ بِكُلِّ زَيْنَةٍ، ثُمَّ يُؤْتَى مِنْ نُورٍ، طُولُهُمَا مِائَةٌ مِيلًا، فَيُوضَعُ أَحَدُهُمَا عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ وَالْآخَرُ عَنِ يَسَارِ الْعَرْشِ، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَيَزِينُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَا عَرْشَهُ كَمَا تَزِينُ الْمَرْأَةُ قَرطَبَاهَا؛ هنگامی که روز قیامت برپا و عرش رحمان به تمام زینتها مزین شود، دو منبر از نور آورده می‌شود که طول آن دویست میل است؛ یکی را به سمت راست عرش و دیگری را بر سمت چپ عرش می‌گذارند، سپس حسن و حسین را می‌آورند تا خداوند عرش خود را به آنها مزین فرماید؛ مانند زن که او را گوشواره مزین کرده است».

زینت بهشت

در روایات متعددی وارد شده است که امام حسین (ع) زینت بهشت محسوب می‌شود، ما فقط به نقل یک روایت بسنده

می‌کنیم: «وإنَّ العَجَنَةَ قالت: یاربِّ اسدِّ کتبتنی الضَّعفاءَ والمساکین! فقال الله: ألا تَرْضَینِ- ائی زینت از کانتک بالحسن والحسین؟» «هنگامی که بهشت صدا می‌زند پروردگارا! ساکنان من همه فقیران و بیچارگانند! خطاب می‌رسد آیا با اینکه حسن و حسین (ص) ساکنان تواند؛ هنوز راضی نیستی؟!».

نور خدا

وجود تمام معصومین: نور خداوند هستند، مخصوصاً وجود با برکت امام حسن و امام حسین (ص). اگر کسی به سوی نور، حرکت کند، باید دارای عدالت، تقوا و رهایی از هواهای نفسانی باشد؛ زیرا با گناه و معصیت که ظلمت و تاریکی است - رسیدن به نور امکان ندارد. لذا در آیات و روایات متعدد آمده است که نور امامان سبب هدایت است: از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللهُ الجَنَّةَ، خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهٍ، ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَدَفَهُ، فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ، فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ إِهْتَدَى إِلَى وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ لَمْ يُصِبْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ». «هنگامی که خداوند، بهشت را از نور خود آفرید، سپس آن نور را پراکنده کرد، به من و فاطمه یک سوم از آن نور رسید و به علی و اهل بیتش یک سوم از آن نور رسید. پس به هر کسی که از آن نور برسد، به ولایت آل محمد (ص) هدایت پیدا می‌کند و به کسی که از آن نور نرسد، به ولایت آل محمد: گمراه می‌شود».

محرومان از شفاعت

در احادیث متعدد وارد شده که در روز قیامت وقتی که مردم وارد محشر می‌گردند، گروهی، از شفاعت معصومین: و پیامبر اکرم (ص) محرومند، بر طبق روایات فراوان، علت محرومیت آنها عدم توجه به امام حسن و امام حسین (ص) است، چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «قال رسول الله (ص): من أَبْغَضَ الحَسَنَ والحسینَ (ع) جاءَ یومَ القیامَةِ وَلیسَ عَلَی وَجْهِ لَحْمٍ وَلَمْ تَنَالَهُ شَفَاعَتِی». پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که با حسن و حسین دشمنی کند، در روز قیامت در حالی می‌آید که در صورت او گوشت وجود ندارد و هرگز شفاعت من به او نمی‌رسد».

نجات دهنده دوزخیان

کسانی که امام حسن و امام حسین (ص) را بشناسند، گناهانشان آمرزیده می‌شود و در روز قیامت، به زیارت آنان مفتخر می‌گردند و از آتش جهنم رهایی پیدا می‌کنند؛ چنانکه ابوذر غفاری گوید: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ (ص) یَقْبَلُ الحسینَ بنَ عَلِیِّ بنِ ابِی طالِبِ (ع) وَهُوَ یَقولُ: مَنْ أَحَبَّ الحَسَنَ والحسینَ وَذَرَّیْتَهُمَا مَخْلَصاً لَمْ تَلْفَحِ النَّارَ وَجْهَهُ، وَلَوْ كانَ ذَنْبُهُ بَعْدَ رَمْلِ عَالِجٍ. إِلَّا أَنْ یكونَ ذَنْباً یُخْرِجُهُ مِنَ الإیمانِ». «دیدم پیامبر (ص) روزی حسین بن علی بن ابی طالب را می‌بوسید و می‌فرمود: کسی که حسن و حسین و فرزندان این دو را از روی اخلاص، دوست بدارد؛ آتش جهنم صورت‌های آنها را نمی‌سوزاند؛ گرچه گناهان آنان به عدد ریگ‌های زیر دریا باشد؛ مگر اینکه آن گناه، گناهی باشد که آنان را از دین خارج کند». علی (ع) فرمود: «زارنا رسول الله (ص) و بات عندنا و الحسن و الحسین نائمان، فاستقی الحسن، فقام رسول الله إلى قربة لنا... فاهوی بیده إلى الحسین و بدء بالحسن فقالت فاطمة: یا رسول الله! أَحْبَبُهُما إِلَیک؟ قال: لا، وَلکنَّهُ استقی أَوَّلَ مَرَّةٍ، ثُمَّ قال رسول الله (ص) أنا و إیاک و هذین و هذا الرّاقد - یعنی علیاً - یومَ القیامَةِ فی مکانٍ واحدٍ». «روزی، پیامبر (ص) به دیدن ما آمد و شب را آنجا بیتوته کرد و حسن و حسین خواب بودند. هنگام شب، حسن بیدار شد و آب خواست. پیامبر (ص) برخاست و از مشک آب آورد. حسین نیز بیدار شد. پیامبر (ص) نخست آب را به حسن داد. فاطمه (س) فرمود: مثل این که حسن نزد تو محبوب‌تر است. پیامبر (ص) فرمود: نخیر! بلکه اول حسن آب خواسته بود. سپس پیامبر فرمود: من و

تو و این دو - حسن و حسین - و این که خوابیده - علی - روز قیامت در یک جا هستیم».

روح پیامبر

رسول گرامی اسلام (ص) موارد متعدد، درباره فضیلت حسنین (ص) احادیث فراوانی را بیان کرده‌اند، از جمله فرمود: «حسین منی و انا من حسین، أحب الله من أحب حسیناً» «حسین از من و من نیز از او هستم، کسی که حسین را دوست بدارد، خداوند نیز او را دوست دارد». همچنین رسول خدا (ص) به حسین (ع) فرمود: «هذا منی وأنا منه، وهو یحرم علیه ما یحرم علی». «این (حسین) از من است و من از او و هر آنچه بر او حرام است بر من (نیز) حرام است».

آینه تمام نمای پیامبر

تمام شخصیت رهبر و پیشوای عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) در وجود نازنین حسنین (ص) متجلی بود؛ چنانکه در این مورد، احادیث فراوانی وجود دارد، به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: علی (ع) فرمود: «الحسن أشبه برسول الله (ص) ما بین الصدر إلى الرأس، والحسین أشبه بالنبی (ص) ما كان أشقل من ذلك». علی (ع) فرمود: حسن، شبیه رسول خدا (ص) از سینه به بالاست، و حسین شبیه رسول خداست از سینه به پایین». همچنین فرمود: «من أراد أن ینظر إلى وجه رسول الله (ص) من رأسه إلى عنقه، فلینظر إلى الحسن، ومن أراد أن ینظر إلى ما لُدنه عنقه إلى رجليه، فلینظر إلى الحسین، إقتتیه ماه». هر کس می‌خواهد از سر تا گردن به رسول خدا (ص) بنگرد، پس به حسن بنگرد و هر کس می‌خواهد از گردن به پایین به رسول خدا (ص) بنگرد، به حسین بنگرد. این دو شباهت پیامبر را در میان خود تقسیم کرده‌اند».

کلید بهشت

حقیقت عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است. چنانکه در دنیا، هر انسانی برای رسیدن به اهدافش، اسباب و وسایلی را فراهم می‌کند. در روز قیامت نیز انسان احتیاج به اسباب دارد. اینک سؤال این است که اسباب آبرومندی برای بشر در روز قیامت نزد خداوند چیست؟ فرزندان، مال و ثروت و یا چیزی غیر از اینهاست؟ در احادیث فراوانی اسباب آبرومندی در روز قیامت، امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده‌اند: چنانکه علی بن ابی طالب (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «فی الجنة درجه، تُدعى الوسيلة، فإذا سألتُموا الله فسألوا إلى الوسيلة، قالوا: یارسول الله! من یسکن معک فیها؟ قال (ص): علی و فاطمة والحسن والحسین» «در بهشت درجه‌ای است که به آن وسیله گفته می‌شود، هنگامی که از خداوند سؤال گردید از آن وسیله سؤال کنید، گفتند: ای رسول خدا! در آن درجه، چه کسانی با تو هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین».

امام حسین علیه السلام و حدیث کساء

در روایات متواتری وارد شده است که همه پلیدی‌ها از وجود معصومین (ع) برداشته شده است، اینک به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: عمر بن ابی سلمه پسر خوانده پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود: «نزلت هذه الایة علی النبی (ص) (إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت ویطهرکم تطهیراً) فی بیت ام سلمه، فدعا النبی (ص) فاطمة و حسناً و حسیناً فحللهم بکساء و علی خلف ظهره فحلله بکساء ثم قال: اللهم هؤلاء أهل بیتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً قالت ام سلمة: وأنا معهم یا نبی الله؟ قال: أنت علی مکانک و أنت إلى خیر». هنگامی که آیه: «همانا خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد»، بر پیامبر (ص) در خانه ام سلمه نازل گردید، پیامبر، حضرت فاطمه، حسن و حسین را صدا زد، پس ایشان را به کساء

پوشاند و علی پشت سر پیامبر قرار داشت او را نیز پوشاند؛ سپس فرمود: بارالها! اینان اهل بیت من هستند، پس دور کن از ایشان پلیدی را و ایشان را کاملاً پاک گردان. ام سلمه گفت: من نیز با شما هستم ای رسول خدا! پیامبر (ص) فرمود: تو در جای خود باش که عاقبت تو به خیر است».

پاکی امام حسین علیه السلام

ام سلمه گوید که رسول خدا (ص) فرمود: «الّا- إنّ مسجدي حرام علی کلّ حائض من النساء وکلّ جنب من الرجال إلاّ علی محمّد واهل بیته علیّ و فاطمه و الحسن و الحسين رضی الله عنهم». «آگاه باشید! به درستی که مسجد من بر هر زن حائض و بر هر جنب از مردها حرام است؛ مگر اهل بیتم، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)».

نام گذاری امام حسین علیه السلام

مورخان شیعه و سنی در کتب روایی، تاریخی و تفاسیر خود در مورد نام گذاری حسنین (ص) بیانات فراوانی دارند که ما تنها به ذکر یک نمونه از آنها اکتفا می کنیم: «الحسن بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف القرشی الهاشمی ابو محمد سبط النبی (ص) و امه فاطمه بنت رسول الله (ص) سیده نساء العالمین و هو سید شباب اهل الجنه و ریحانه النبی (ص) و شیبیه سماه النبی (ص) الخ وهو رابع اهل الکساء». «حسن فرزند علی بن ابی طالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم فرزند عبدمناف قریشی هاشمی، ابومحمد سبط رسول خدا (ص)، مادرش فاطمه دختر رسول خدا (ص) سیده زنان دو جهان و سرور جوانان اهل بهشت و گلهای پیامبر و شبیه پیامبر است که پیامبر او را ریحانه نام نهاده است و ایشان چهارمین اهل کساء می باشد». ابواحمد عسکری گوید: «سمّاه النبی (ص) و کناه أبا محمّد ولم یکن یعرف هذا الاسم فی الجاهلیه». «پیامبر نام او را حسن نهاد و شهرت او را ابومحمد و این اسم در جاهلیت معروف نبود». مفضل گوید: «انّ الله حَجَب اسم الحسن والحسین حتّی سَمی بهما النبی (ص) ابنیه الحسن الحسین. قال: فقلت له: فاللذین باليمن قال: ذاک حسن ساکن سین وحسین بفتح الحاء و کسر السین ولا یعرف قبلها الا اسم رمله فی بلاد ضبه و...». «به درستی که خداوند اسم حسن و حسین را مخفی نمود تا اینکه پیامبر آن دو را به این اسم نام نهاد. به او گفتیم: آن دو که در یمن هستند چه؟ گفت: آن حسن با سکون حرف سین و حسین با فتح حاء و کسر سین می باشد و هرگز این اسم قبل از این شناخته نشده بود مگر نام رمله در بلاد ضبه و...». پیامبر (ص) فرمود: «حسن سبط من الاسباط». قال الراوی: «وکان حلیماً کریماً ورعاً دعاه ورعه و فضله إلى أن ترک الملک الدنیارغبه فیما عند الله تعالی و... وای شرف أعظم من شرف من سماه رسول الله (ص)». «حسن، سبطی از اسباط است». راوی می گوید: «امام حسن، بردبار، بخشنده و باتقوا بودند که تقوا او را دعوت به ترک خلافت دنیا نمود و متمایل بود به آنچه نزد خداوند هست و... و چه شرفی بزرگتر از شراف کسی است که او را رسول خدا (ص) نام نهاده است». ابوبکر بن درید گوید: «قام الحسن بعد موت أبیه أميرالمؤمنین فقال: بعد رحمه الله عزّوجلّ أنا والله ما ثنّانی عن أهل الشام شک ولا ندم وإنّما کنا نقاتل أهل الشام بالسلامه و الصبر و...». «امام حسن بعد از رحلت امیرمؤمنان به منبر رفت و بعد از فرستادن درود و رحمت خداوندی بر پدرش فرمود: من به خدا قسم از جنگ با شامیان روی نگردانم و نه در جنگ با آنها شک دارم و پشیمان هستم، ما با شامیان می جنگیدیم در مقابل سلامت و بردباری». احادیثی که در مورد فضیلت اهل بیت: در کتب معتبر اهل تسنن وارد گردیده، قابل احصا نیست و لذا تنها به ذکر برخی از منابع و مؤلفین اکتفا می کنیم: علامه دولابی، در الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۱۲۱، طبع حیدرآباد دکن، حافظ احمد بن حنبل در مناقب، ص ۱۲۲؛ طبرانی در معجم الکبیر، ص ۱۳۴ خطی؛ ابن حجر عسقلانی در الاصابه، ج ۱، ص ۳۲۵، طبع مصر؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۵، ص ۹۶، طبع میامیه مصر؛ مجمع الزوائد، ابی بکر هیشمی، ج ۹، ص ۱۶۶، مکتبه قدسی، قاهره؛ ینابیع الموده، شیخ سلیمان بلخی، ص ۲۲۸، طبع اسلامبول و ص ۱۶۷؛ تاریخ ابن عساکر؛ محب الدین طبری در ذخایر العقبی،

ص ۲۱، طبع قاهره؛ حافظ نهیانی در شرف النبی، ص ۲۲۵. مفتاح نجات، ص ۱۴؛ کنوز الحقایق مناوی، ص ۲۶، طبع بولاق مصر؛ ینابیع الموده، ص ۱۷۹، طبع اسلامبول؛ عبدالله حنفی در ارجح المطالب، ص ۳۲۳، طبع لاهور؛ ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۴۳، طبع حیدرآباد دکن و ج ۴، ص ۳۵۴؛ میزان الاعتدال ذهبی، ج ۲، ص ۲۸۱، طبع قاهره. کفایة المطالب، ص ۹۸، طبع الغری؛ ارجح المطالب، ص ۴۵۸، طبع لاهور؛ کفایة المطالب، ص ۱۷۸؛ جمال الدین ابن حنویه در بحر المناقب، ص ۷۸ خطی؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۲، طبع قاهره؛ حدیث ۳، ینابیع الموده، ص ۲۵۶ اسلامبول؛ مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۰، طبع حیدرآباد دکن؛ کفایة الطالب، ص ۲۷۸؛ تلخیص مستدرک، ذهبی، ج ۳، ص ۱۶۰؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۴، طبع قاهره؛ الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۵۰۷، طبع مصر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ مفتاح نجات، ص ۱۵، خطی، ص ۱۶ و ۱۱۳؛ الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۱۶۰، طبع حیدرآباد دکن؛ بحر المناقب، احمد حنفی موصلی، ص ۱۱۶، خطی و ص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸۳، طبع قاهره، ج ۱، ص ۴۶۳، ص ۸۲ و ۲۲۰، ص ۳۲، مناقب خوارزمی، ص ۹۰، طبع تبریز، ص ۸۲ و ۲۴۰؛ ینابیع الموده، ص ۲۴۵، طبع اسلامبول، ص ۱۳۱، ۲۶۱، ۲۳۰، ۱۹۴، ۳۵، ۱۷۲، ۱۶۴، ۱۹۴، ۲۱۳، ۲۶۰، ۲۲۷، ۸۹، ۲۵۹، ۲۴۷، ۲۳۶، ۲۳۴، ۳۱۲ و ۳۳۲، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۶، طبع صاوی مصر؛ نزهة المجالس، صفوری، ج ۲، ص ۲۲۲، طبع قاهره، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ فضایل صحابه، ج ۲، ص ۲۶۰، خطی و ۲۵۸ ابن حنبل هیثمی در صواعق المحرقة، ص ۲۳۰، طبع عبداللطیف، مصر، ص ۱۵۸؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۹۴، طبع حیدرآباد، ج ۳، ص ۲۷۵؛ عبدالله شافعی در مناقب، ص ۲۰۹ خطی، ارجح المطالب تسری، ص ۳۱۲، طبع لاهور، ص ۵۱۲، ۳۰۹، ۳۱۱، ۴۶۱، ۳۳۱ و ۵۳۰، ریاض نظری محب‌الدین طبری، ج ۲، ص ۱۸۹، طبع مصر، ص ۲۱۴، ۳۱۱، ۳۳۳ و ۲۰۹؛ أسد الغابة، ابن کثیر، ج ۲۶۹۵، خطی و ۵۲۳؛ موفق ابن احمد در مقتل الحسين، ص ۶۶، طبع الغری، ص ۹۹، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸، طبع صادی مصر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۶، طبع قاهره، ص ۱۶۹، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۷۴، ۱۶۹ و ۱۳۱، تذکره، ابن جوزی، ص ۲۴۴، طبع الغری حافظ احمد حنبل در مسند، ج ۱، ص ۴۴۲، طبع میامیه مصر، ص ۱۷۷. القول فصل حداد علوی حضرمی، ص ۲۹، طبع جاوایح، ص ۳۵ و ۳۰، مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۹، طبع حیدرآباد دکن، ص ۱۳۷۰، ۱۵۱؛ ذخایر العقبی، ص ۲۵، ۲۳، ۹۱، ۱۳۰، ۱۲۳؛ معجم الکبیر، ص ۱۳۰، طبع جامعه طهران، طبع خطی، ص ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۰۳، ۵۲؛ معجم صغیر، ص ۱۵۸، طبع دهلی، ص ۱۹۹؛ بديئة و نهائیه، ابن کثیر دمشقی، ج ۸، ص ۲۰۵، ۳۶، ۲۰۷؛ جامع الاصول، ج ۱، ص ۱۰۲، طبع محمدیه مصر؛ شفاء قاضی، عیاض، ج ۲، ص ۴۲، ۱۶؛ تاریخ ذهبی، ج ۳، ص ۸، طبع مصر، ص ۵، ج ۲، ص ۶۰؛ مقتل الحسين، ص ۹۹، طبع الغری، ص ۶۱، ۱۱۱، ۱۰۳، ۶۶، ۹۵، ۵۹، ۶۶، ۷۵، ۱۰۷، ۱۴۵، ۱۰۸؛ تاریخ بغدادی، ج ۷، ص ۱۳۶، طبع مصر، ج ۱۳، ص ۲۸۷؛ اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۲۳، طبع مصر، ج ۴، ص ۲۹، ۱۰۹، ۹۴؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۹۲، طبع میامیه مصر و ص ۱۰۶، ۹۴، ۱۲۷، ۹۶؛ اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، ج ۱، ص ۹۱؛ سیر اعلام نبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، ج ۳، ص ۱۷۱، طبع مصر؛ تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، طبع دارالمعارف مصر، ج ۳، ص ۶؛ کفایة الطالب، ص ۱۹۸ و ۱۸۴؛ سنن الهدی، احمد حنفی قدوسی، ص ۵۶۵، خطی؛ طبقات معتزله، ص ۸۲، طبع بیروت، نظم درر السمطين، زرنندی، ص ۲۳۲، طبع قضا، ص ۲۱۰، ۲۱۳؛ فصل الخطاب، بخاری، ص ۳۷۰، طبع اسلامبول؛ ینابیع الموده؛ محاضرات الادباء، ج ۴، ص ۴۷۹، طبع بیروت؛ شکوة المصایح، خطیب تبریزی، ج ۳، ص ۲۵۸، طبع دمشق؛ علم الکتاب، سید خواجه میر، ص ۲۵۴، طبع دهلی؛ فراید السمطين، حمونینی، خطی؛ ذخایر الموارث عبدالغنی نابلسی، ج ۱، ص ۲۱۳، طبع قاهره، ج ۳، ص ۱۴؛ تهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۷، ج ۱۰، ص ۴۳۰، طبع حیدرآباد الجمع بین صحاح، خطی ابوالحسن زرین عبدری؛ انوار محمدیه، ص ۴۳۷، طبع ادبیه بیروت، مؤلف شهبانی، ص ۶۲۹.

در امر به معروف و نهی از منکر، باید روش عقلانی به کار گرفته شود، نه افراط و تفریط؛ زیرا افراط و تفریط روش ظالمان و جاهلان است که باعث سلب اعتبار می‌گردد. انسان‌های جاهل به روش عقلانی هدایت می‌گردند و لذا در تمام روش‌های عقلانی و حکیمانه از جمله در امر به معروف و نهی از منکر، باید الگوی ما، اهل بیت عصمت و طهارت از جمله امام حسن و حسین (ص) باشد چنان که در روایات متعددی به این معنا اشاره شده. علامه مجلسی «ره» در بحار الانوار چنین نقل می‌کند: «أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (ص) مَرَّ عَلَى شَيْخٍ يَتَوَضَّأُ وَلَا يَحْسُنُ، فَأَخَذَا فِي التَّنَازُعِ يَقُولُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا: أَنْتَ لَا تَحْسِنُ الْوَضُوءَ فَقَالَا: أَيُّهَا الشَّيْخُ كُنْ حَكَمًا بَيْنَنَا يَتَوَضَّأُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا فَتَوَضَّأُ قَالَا: أَيُّنَا يَحْسُنُ؟ قَالَ: كَلَّا كَمَا تَحْسِنَانِ الْوَضُوءَ وَلَكِنْ هَذَا الشَّيْخُ الْجَاهِلُ هُوَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يَحْسُنُ! وَقَدْ تَعَلَّمَ الْآنَ مِنْكُمْ وَتَابَ عَلَيَّ يَدُكُمْ بِيَرَّتِكُمْ وَشَفَقَتِكُمْ عَلَى أُمَّةٍ جَدَّكُمْ». «روزی امام حسن و امام حسین (ص) از جایی عبور می‌کردند، مشاهده فرمودند که پیرمردی در حال وضو گرفتن، اشتباه وضو می‌گیرد، در این حال، امام حسن و امام حسین (ص) هریک فرمودند: وضوی من بهتر است! در این صورت نزد پیرمرد آمدند و فرمودند: ای پیرمرد! ما دو نفر وضو می‌گیریم و شما تماشا کنید و بعد قضاوت کرده و بگویید آیا وضوی کدام یکی از ما بهتر است! بعد از آن، هر دو برادر وضو گرفتند و هنگامی که وضو گرفتن پایان یافت، سؤال کردند وضوی کدام یک از ما بهتر است؟! پیرمرد جاهل وقتی که جریان را مشاهده کرد؛ فرمود: وضو گرفتن هردوی شما نیکوست، این وضوی من است که درست نبوده، لکن فعلاً با برکت لطف و مهربانی شما که بر امت جدتان دارید، وارد شدم».

شهادت سرور شهیدان

یکی از مصیبت‌های جانسوزی که به دست عده‌ای از ستمگران و ظالمان، بعد از رحلت رسول خدا (ص) بر اهل بیتش: وارد گردید، شهادت مظلومانه امام حسین (ع) با اهل بیتش، در سرزمین کربلا بود. سلمی گوید: «دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ سَلْمَةَ وَهِيَ تَبْكِي فَقُلْتُ مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) - تَعْنِي فِي الْمَنَامِ - وَعَلَى رَأْسِهِ وَلِحْيَتِهِ التَّرَابُ؛ فَقُلْتُ: مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ (ص): شَهِدْتُ قَتْلَ الْحَسَنِ أَنْفَاءً». «منزل ام سلمه رفتم که در حال گریه بود، گفتم: چرا گریه می‌کنی؟ در جوابم فرمود: رسول خدا (ص) را در خواب دیدم که با محاسن خاک آلود بود، سؤال کردم ای رسول خدا چرا محاسن شما خاک آلود است؟! فرمود: «الآن شاهد کشته شدن حسین بودم». هم‌چنین از ام سلمه نقل شده است که گفته: «كَانَ النَّبِيُّ (ص) جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ فِي بَيْتِي فَقَالَ: لَا يَدْخُلُنَّ عَلَيَّ أَحَدٌ، فَانْتَبَرْتُ فَدَخَلَ الْحَسِينَ فَسَمِعْتُ نَشِيحَ (صَوْتٍ مَعَهُ تَوَجَّعٌ وَبُكَاءٌ كَمَا يَرِدُ الصَّبِيُّ بِكَاءِهِ فِي صَدْرِهِ) النَّبِيِّ يَبْكِي اطَّلَعْتُ فَإِذَا الْحَسِينَ فِي حَجْرِهِ أَوْ إِلَى جَنْبِهِ يَمْسَحُ رَأْسَهُ وَهُوَ يَبْكِي، فَقُلْتُ وَاللَّهِ! مَا عَلِمْتُ بِهِ حَتَّى دَخَلَ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ جِبْرَائِيلَ كَانَ مَعَنَا فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: أَتُحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: أَمَّا مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا فَتَنِمَ. فَقَالَ: «إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُ هَذَا بِأَرْضِ كَرْبَلَا، فَتَنَاولُ جِبْرَائِيلُ مِنْ تَرَابِهَا فَأَرَاهُ النَّبِيَّ، فَلَمَّا أَحْيَطَ بِالْحَسَنِ حِينَ قُتِلَ قَالَ: مَا اسْمُ هَذِهِ الْأَرْضِ؟ قَالُوا: أَرْضُ كَرْبَلَا. قَالَ (ع) صَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرْضَ كَرْبٍ وَبَلَا». «روزی رسول خدا (ص) در خانه نشسته بود که فرمود: کسی نزد من نیاید! ام سلمه گفت: من در حال انتظار بودم که امام حسین (ع) نزد رسول خدا آمد، سپس شنیدم که پیامبر مانند بچه‌ای که گریه را در گلوی خود می‌پیچد، گریه می‌کند. آگاه شدم که پیامبر حسین را در دامان یا پهلوی خود نهاده و دست بر سر و صورت او می‌کشد و گریه می‌کند. سؤال کردم: به خدا قسم من از روزی که نزد شما آمده‌ام چنین حالتی را ندیدم. رسول خدا (ص) فرمود: به درستی که جبرئیل در خانه نشسته بود و فرمود: ای رسول خدا! حسین را دوست داری؟ گفتم: بلی. جبرئیل فرمود: به درستی که بعد از تو به زودی امت او را در سرزمینی به شهادت می‌رسانند که کربلا نام دارد. سپس جبرئیل مقداری خاک برداشت و به پیامبر نشان داد. هنگامی که دشمن، امام حسین (ع) را احاطه کرده بود، امام سؤال کرد که این سرزمین چه نام دارد؟! اصحاب فرمودند: کربلا. امام حسین (ع) فرمود: جدم رسول خدا راست فرموده بود. این زمین، پر مشقت و پر بلاست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

